

مسئله تعامل اجتماعی در خانواده ایرانی

مهدیه، باقری، * غلامرضا صدیق اورعی **، احمد فرزانه ***

کداریکد: ۷۶۱۴-۳۵۰۱-۰۰۰۳-۰۰۰۰

کداریکد: ۵۰۳۹-۳۱۷۷-۰۰۰۳-۰۰۰۰

کداریکد: ۵۰۹۱-۴۴۷۶-۰۰۰۳-۰۰۰۰

DOR: <http://dorl.net/dor/20.1001.1.24766933.1399.11.2.19.0>

چکیده

انسان به زیست اجتماعی نیازمند است و اساس زیست اجتماعی، تعامل مستمر با انسان‌های دیگر است و قوام و دوام تعامل مستمر، مستلزم گرم بودن آن است. یکی از قلمروهای برجسته تعامل گرم، خانواده است. تحقیقات فراوانی نشان می‌دهد خانواده به شدت و به طور گسترده، به بیماری آشکار و رنج‌دهنده‌ای مبتلاست. هدف این نوشتار، توصیف وضع تعاملات اجتماعی در خانواده ایرانی است، آن هم به گونه‌ای که جامعه‌شناسان ادراک و گزارش کرده‌اند. تحقیق حاضر به ۸۳ مقاله پژوهشی معتبر استناد کرده است که این پژوهش‌ها با داوری اجتماع علمی جامعه‌شناسان ایرانی پذیرفته شده و انتشار یافته‌اند. روش مورد استفاده، روش «تحلیل محتوای جهت‌دار» است. داده‌های بررسی شده از «وجود مشکل فقدان روابط و تعاملات اجتماعی در خانواده، کمبود و کاهش تعاملات خانوادگی، کمبود تعاملات گرم در خانواده، وجود تعاملات سرد در خانواده، قطع روابط همسران» حکایت می‌کند و هر کدام از این مشکلات، مشتمل بر مشکلات تعاملی جزئی‌تری است که نشان می‌دهد آخرین پناهگاه اجتماعی ما نیز به شدت «کم‌عیار» است.

کلیدواژه‌ها: تعامل اجتماعی، تعامل سرد، تعامل گرم، جامعه کم‌عیار، خانواده.

* دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه دانشگاه فردوسی مشهد، ایمیل:

mbagheri1993@gmail.com

** استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول) ایمیل:

sedighourae@um.ac.ir

*** دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی فرهنگی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه قم

farzaneh.ahmad@gmail.com

این مقاله مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد نویسنده اول است که راهنمایی آن را نویسنده مسئول برعهده داشته است.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۵/۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۱۸

مسائل اجتماعی ایران، سال یازدهم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۹، صص ۲۳-۶۴

۱. مقدمه و بیان مسئله

تعامل اجتماعی^۱، لازمه بهره‌گیری از انسان‌های دیگر و رفع برخی نیازهای انسان است. زندگی اجتماعی، در بدو امر و در حداقل آن، یعنی همین تعاملات اجتماعی. از اشخاص تشکیل‌دهنده گروه که بگذریم، تعامل، پایه‌ای‌ترین عنصر برای تشکیل هر گروه است؛ زیرا گروه اجتماعی، همان «اشخاص دارای تعامل نسبتاً مستمر با احساس پیوند است» (صدیق اورعی و همکاران، ۱۳۹۸: ۴۶).

تعامل انواعی دارد. از میان انواع تعامل، تعامل گرم، به‌ویژه تعامل گرم نابرابر، اهمیت خاصی دارد. در واقع، تعاملات مستمر عامل شکل‌گیری هر جامعه است و دوام و قوام جامعه، در گروه تعامل گرم برابر و نابرابر است. تعلق و همبستگی محصول تعاملات گرم و نیز شرط ایجاد گروه، سازمان، اجتماع و جامعه است و بدون تعاملات مستمر، ایجاد و حفظ توافق اجتماعی و فرهنگ و دیگر دستاوردهای انسان ممکن نیست.

یکی از مشکلات فعلی مردم در جامعه ایران، «فقدان یا کمبود دیگران قابل تعامل برای پاسخ به بسیاری از نیازهایشان است». در واقع، شواهد بسیاری وجود دارد که نشان می‌دهد جامعه ایران با مشکل مضایقه تعاملات اجتماعی (گرم و گرم نابرابر) روبه‌روست.

علاوه‌براین، ضعف تعاملات گرم از دیگر مشکلاتی است که مردم ایران با آن درگیرند. وجود و افزایش تعاملات سرد و وجود تعاملات خنثی، آنگاه که تعامل گرم مورد انتظار است، مسئله‌ای است که جامعه ما با آن روبه‌روست. به عبارت دیگر، از جمله مشکلات مردم ایران، وجود «دیگرانی» است که علاوه بر بی‌پاسخ‌گذاشتن نیازهای آنان، عامل آزار و اذیت و اسباب تولید رنج برای آن‌ها هستند.

وجود طیفی از مشکلات تعاملی در خانواده‌های ایرانی قابل مشاهده است. در باب بسیاری از خانواده‌ها نیز، کثرت و شدت تعاملات، درخور و متناسب با جایگاه خانواده نیست. خانواده ایرانی هرچند بیشتر از هرجایی مأمّن و پناهگاه شخص است و به‌نسبت شبکه‌های دیگری مثل خویشاوندان و به‌خصوص همسایگان، تعامل با اعضای خانواده در آن بیشتر است، اما به‌نسبت انتظاری که از این گروه اجتماعی می‌رود، در بسیاری از موارد، وضع مناسبی در آن مشاهده نمی‌شود. برای مثال، آمارها، کاهش ازدواج و تأخیر سن ازدواج و افزایش طلاق (کلانتری، روشنفکر و جواهری، ۱۳۹۰؛ توسلی و غبائی ندوشن، ۱۳۹۰) و بالابودن ناسازگاری خانوادگی (صدیق اورعی و اصغریور ماسوله، ۱۳۸۸؛ عباسی و ارشاد، ۱۳۹۱) را نشان می‌دهند. کاهش

ازدواج نوعی تعامل‌گریزی و مضایقه تعامل از خود و دیگری است (جواهری و هلالی ستوده، ۱۳۹۵)؛ زیرا ازدواج سبب افزایش جدی تعاملات شخص مجرد، به‌واسطه تأسیس خانواده می‌شود. افزایش طلاق، یعنی افزایش قطع روابط و تعاملات موجود، و ناسازگاری و نزاع خانوادگی، تعاملات سرد در خانواده است. تعاملات سرد، مطلوبیت ذاتی تعاملات را از بین می‌برد؛ یعنی اشخاص صرفاً از سر ناچاری و فقط با در نظر گرفتن مصالحی با یکدیگر کنش متقابل انجام می‌دهند.

با توجه به جایگاه خانواده در جامعه به‌عنوان مهم‌ترین سازمان رفع‌کننده بسیاری از نیازهای اشخاص و اهمیت آن، مشکلات تعاملی در خانواده، یکی از مسائل بسیار بنیادی جامعه است که نظم جامعه را تهدید می‌کند. از این‌رو، فراهم‌آوردن دانش دقیق و جامع درباره این قبیل مشکلات در خانواده کنونی ایران ضرورت می‌یابد؛ در نتیجه، این تحقیق در پی پاسخ به این سؤال است که وضعیت تعاملات اجتماعی در خانواده ایرانی چگونه است؟

۲. چارچوب نظری

تعامل اجتماعی، کنش اجتماعی دوسویه است [مقایسه شود با (کوزر و روزنبرگ، ۱۳۸۵: ۶۹؛ آگبرن و نیم‌کوف، ۱۳۵۳: ۲۷؛ روشه، ۱۳۹۱: ۱۳۳)]. تعامل‌های بین اشخاص، در بستر رابطه اجتماعی بین آن دو صورت می‌گیرد. «مجموعه‌ای از روابط اجتماعی، میان کنشگران اجتماعی» اصطلاحاً شبکه اجتماعی^۱ نامیده می‌شود (وسرمن و فاوست، ۱۹۹۴: ۱۷). میزان و نحوه تعاملات اجتماعی، در شبکه‌های اجتماعی مختلف ممکن است متفاوت باشد. آنچه بازگوکننده میزان و نحوه تعاملات اجتماعی است، سرمایه اجتماعی^۲ نام دارد. به قول بوردیو، منظور از سرمایه اجتماعی «تراکم منابع واقعی یا بالقوه‌ای است که حاصل از شبکه‌ای بادوام از روابط کمابیش نهادینه‌شده آشنایی و شناخت متقابل است» (بوردیو، ۱۳۸۹: ۱۴۷).

تعامل اجتماعی از جهت احساس عاطفی همراه آن، یا «خنثی» است یا «عاطفی» و از نظر توازن «برابر» یا «نا برابر» است. تعامل خنثی، بدون هیجان و تعامل عاطفی، دارای هیجان است. تعامل عاطفی ممکن است «سرد»، یعنی دارای بار عاطفی منفی، یا «گرم»، یعنی دارای بار

۱. Social network

۲. Social capital

عاطفی مثبت باشد. از ترکیب این دو، تعامل خنثای برابر و نابرابر، تعامل گرم برابر و نابرابر و تعامل سرد برابر و نابرابر قابل تصور است. (صدیق اورعی و همکاران، ۱۳۹۸: ۳۴ و ۳۸).

تعاملات اجتماعی در صورتی ادامه می‌یابد که شکل و اندازه آن، مورد توافق طرفین درگیر تعامل باشد؛ در غیر این صورت، تعامل ترک یا موجب نزاع می‌شود. پس اگر طرفین بر وجود تعامل بین خود و نوع تعامل و انتظارات متقابل و چندوچون و زمان و مکان عمل توافق داشته باشند، آن تعامل مورد توافق و قابل دوام است. قاعده‌ای که موارد یادشده را بیان می‌کند و مورد توافق طرفین است، هنجار نامیده می‌شود (همان: ۶۸). حال اگر در تعامل، طبق توافق عمل شود و عمل طبق قاعده و توافق، در طول زمان استمرار یابد، برای طرف تعامل پیش‌بینی‌پذیر می‌شود و همراه با اطمینان‌آوری؛ یعنی دیگران او را شخصی متعهد می‌یابند. پس اشخاص براساس تعهد مستمر یک شخص یا یک سازمان در گذشته تا حال، به تعهد او در آینده اطمینان می‌کنند. این اطمینان به تعهد شخص یا سازمان در آینده، اعتماد نام دارد (صدیق اورعی، ۱۳۹۵).

تعاملات اجتماعی آثاری دارد. همبستگی اجتماعی از آثار تعامل گرم است. گروه‌ها و سازمان‌های اجتماعی، اجتماع و جامعه نیازمند همبستگی هستند. خانواده نیز به‌عنوان گروه اجتماعی متشکل از موقعیت‌ها، نقش‌ها و پایگاه‌های مختلف، از این قاعده مستثنا نیست. همچنین اعضای گروه‌های اجتماعی مانند خانواده برای سازگاری و ایجاد تعادل، با یکدیگر همکاری می‌کنند. منظور از همکاری «یکی‌بودن مساعی دو یا چند شخص برای حصول هدفی معین» (آگبرن و نیم‌کوف، ۱۳۵۳: ۶۱) است. «خانواده» را این‌گونه تعریف کرده‌اند: «خانواده یک نهاد [سازمان] اجتماعی است که در همهٔ جوامع جزء اساسی‌ترین نهادها [سازمان‌ها] است که افراد در این گروه، برای همکاری با یکدیگر متحد می‌شوند» (ماسیونیس، ۲۰۱۰: ۴۲۶).

دو اثر بسیار مهم و کلان تعاملات انسانی، «ساختار اجتماعی» و «فرهنگ» است. معانی مشترک بین افراد، «فرهنگ» نام دارد. فرهنگ با توافق جمعی میان اعضای یک جامعه به وجود می‌آید. بنابراین، فرهنگ از آثار تعاملات مستمر اشخاص در یک جامعه است. اثر دیگر عمل و تعامل، ایجاد یا تغییر ساختارهای اجتماعی است. ساختارهایی که جهت‌دهندهٔ کنش‌های اعضای جامعه است، اثر کنش‌های قبلی اعضای آن جامعه است و البته بر عمل‌های بعدی آن‌ها نیز تأثیر می‌گذارد.

۳. روش‌شناسی

روش تحقیق حاضر، «تحلیل محتوای کیفی جهت‌دار»^۱ است. از نظر مایرینگ (۲۰۱۴)، تحلیل محتوای کیفی یک نوع «تحلیل متن بسیار نظام‌مند و کنترل‌شده و گام‌به‌گام» است. این روش «نوعی روش‌شناسی تحقیق در خدمت تفسیر محتوایی داده‌ها، از طریق فرایندهای طبقه‌بندی نظام‌مند، کدگذاری و مضمون‌سازی یا طراحی الگوهای شناخته‌شده» است (شی‌یه و شانون، ۲۰۰۵: ۱۲۷۸).

تحلیل محتوای کیفی جهت‌دار، روش مقایسه‌ای متکی بر نظریه است و کاربرد این روش زمانی است که نظریه یا تحقیقات پیشین درباره پدیده‌ای خاص، نیازمند توصیف و تحلیل بیشتری است (ایمان و نوشادی، ۱۳۹۰). درواقع، «یکی از کارکردهای روش مذکور حمایت و تأیید نظریه موجود و [یا ادعای تحقیق] است» (شی‌یه و شانون، ۲۰۰۵: ۱۲۸۳).

تحلیل محتوای کیفی می‌تواند نظام‌مند و دارای روایی و پایایی باشد (کریپندورف، ۲۰۰۴: ۱۰). برای معتبرساختن تحقیق در این روش، انتخاب بهترین روش برای جمع‌آوری داده‌ها متناسب با هدف تحقیق، میزان و تعداد داده‌ها، دقیق و مناسب بودن انتخاب واحد معنا، جامعیت و مانعیت داده‌های تحقیق در مقوله‌ها (ایمان و نوشادی، ۱۳۹۰)، درگیری طولانی‌مدت با داده‌ها، مشاهده مستمر، نقل‌قول اصیل و مستقیم می‌تواند باعث افزایش اطمینان به پژوهش شود. شنتون (۲۰۰۴) برای تحقق این امر، طرح تحقیق و پیاده‌سازی آن و جزئیات عملیاتی جمع‌آوری داده‌های زیر را لازم می‌داند. (شنتون، ۲۰۰۴: ۷۳). می‌دانیم که اعتبار نتایج پژوهش، وابسته به اعتبار فرایند آن است. پژوهش حاضر، براساس گام‌هایی روشن و قواعدی مشخص انجام شده است که در کاربست روش، به‌روشنی بیان شده است.

کاربست روش. در رابطه با نحوه کاربست روش و مراحل انجام کار باید گفت که هدف پژوهش حاضر، توصیف وضع تعاملات اجتماعی در خانواده ایرانی است، آن‌گونه‌که جامعه‌شناسان ادراک و گزارش کرده‌اند. درواقع، غرض این است که نشان داده شود اگر به تحقیقات تجربی جامعه‌شناسان ایرانی از این «حیث» توجه شود، معلوم می‌گردد که مسئله پژوهش حاضر، به شکل‌ها و با تعبیر مختلف نزد اجتماع علمی، مسئله تلقی شده است. پس باید شواهد موجود در آثار آنان، مؤیدی برای ادعای تحقیق حاضر باشد.

بدین منظور ابتدا ۱۱۹ جامعه‌شناس برجسته ایرانی از مشهورترین و صاحب‌نام‌ترین اعضای هیئت علمی معتبرترین دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها و اعضای هیئت تحریریه مشهورترین نشریات

علمی-پژوهشی جامعه‌شناسی گزینش شدند. در گام بعد، با مراجعه به پایگاه‌های اینترنتی سازمان محل خدمت آن‌ها، از جمله نورمگز، پورتال جامع علوم انسانی، SID و جویسگر علمی فارسی (علم‌نت)، ۷۱۴ اثر (مقاله علمی-پژوهشی، همایشی، کتاب و پایان‌نامه) مرتبط با موضوع وضعیت تعاملات اجتماعی در ایران یافت شد. اما به دلیل اعتبار علمی مقالات علمی-پژوهشی نسبت به سایر آثار علمی، تجربی بودن اغلب آن‌ها، دسترسی نداشتن نسبتاً کامل به پایان‌نامه‌ها و متن کامل مقالات همایشی و حجم بالای کتاب‌ها، فقط مقالات علمی-پژوهشی بررسی و تحلیل شدند. بعد از اعمال معیار یادشده، تعداد آثار مورد بررسی از ۷۱۴ اثر به ۴۰۷ مقاله کاهش یافت. لازم است گفته شود که فقط مقالات تجربی، مطالعه و بررسی شدند و مقالات مرتبطی که صرفاً تحلیلی و بدون داده تجربی بودند (۲۲ مقاله)، مورد بررسی قرار نگرفتند. از ۴۰۷ مقاله، ۱۰۶ مقاله مرتبط با وضعیت تعاملات اجتماعی در خانواده ایرانی است. از این تعداد ۸۳ مقاله دارای داده و شواهد برای تحقیق حاضر بودند و بررسی و تحلیل شدند. گفتنی است که عمده ۸۳ مقاله، مربوط به سال‌های ۱۳۹۰ به بعد هستند؛ به طوری که ۷۱ درصد آن‌ها در این بازه زمانی قرار دارند. همچنین ۸۳ مقاله، مربوط به ۳۹ جامعه‌شناس برجسته ایرانی است.

مقالات منتخب به طور کامل مورد مطالعه دقیق و چندباره قرار گرفتند. جملات مرتبط هر مقاله، به عنوان واحدهای معنا (واحدهای ثبت)^۱، استخراج و یادداشت برداری شدند. در حین استخراج جملات، یادداشت‌های نظری نوشته و سپس گزاره‌های تمامی مقالات در جدولی استخراج شدند و به هر جمله، مفهومی (۵۷۹ مفهوم) اختصاص یافت. در مرحله بعد، با استفاده از نرم‌افزار MaxQDA مراحل کدگذاری و مفهوم‌سازی آغاز شد و با قراردادن کدها و مفاهیم مشابه در یک مقوله^۲ و درنهایت با جمع‌بندی مفاهیم، ۳۶ مقوله فرعی به دست آمد. بعد از انتزاع بالاتر، مقولات فرعی، به ۲۱ مقوله اصلی کاهش یافت و در گام آخر ۵ مقوله نهایی یا تم حاصل شد. گفتنی است گام‌های تحقیق به طور مستمر در مدت دو سال طی شد.

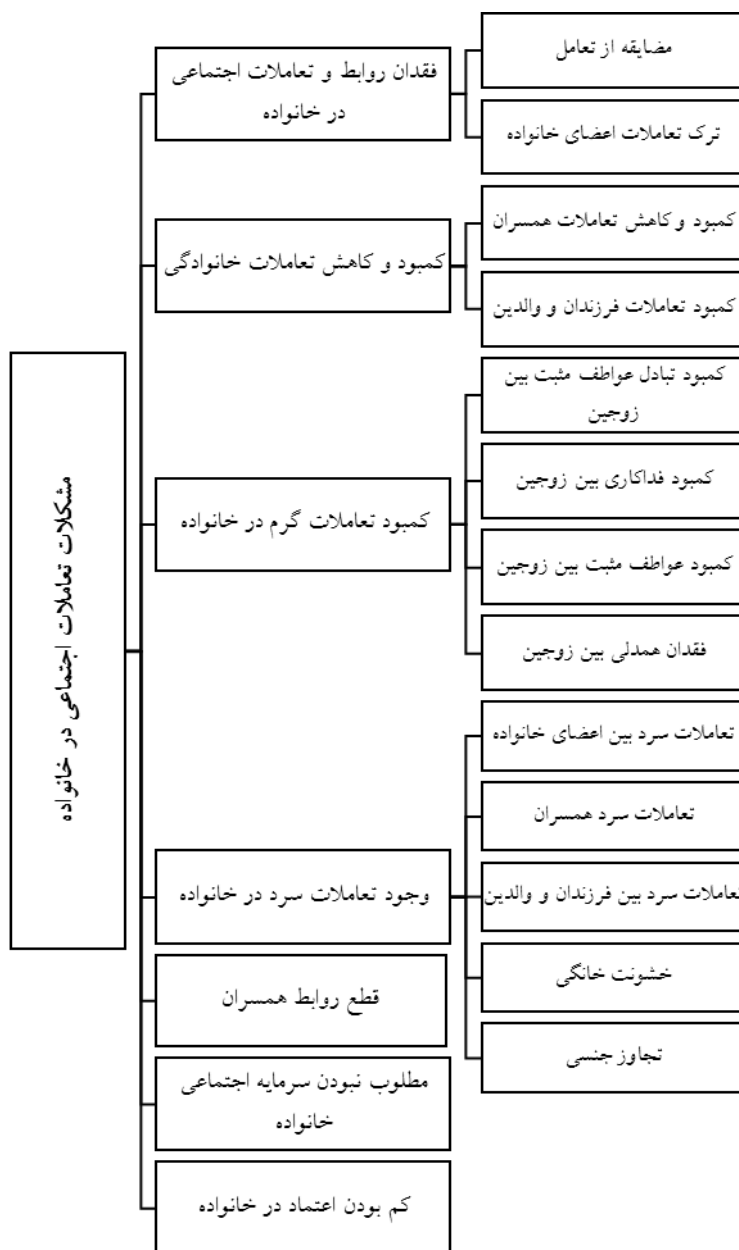
ع. یافته‌ها

فرایند تحلیل و کدگذاری، در کلی‌ترین سطح شامل موارد زیر است: «فقدان روابط و تعاملات اجتماعی در خانواده»، «کمبود و کاهش تعاملات خانوادگی»، «کمبود تعاملات گرم در خانواده»، «تعاملات سرد در خانواده»، «قطع روابط همسران». روند شکل‌گیری مقولات، به

۱. Recording unit

۲. Category

فراخور روش، از جزئی به کلی بوده است؛ اما برای اجتناب از سردرگمی خوانندگان محترم، ابتدا تصویری از یافته‌ها در کلی‌ترین شکل به نمایش درآمده و در ادامه، جزئیات آن تشریح شده است.



شکل ۱. مشکلات تعاملات اجتماعی در خانواده (مقولات اصلی و نهایی)

۱-۸- مشکل فقدان روابط و تعاملات اجتماعی در خانواده

مقوله نهایی «مشکل فقدان روابط و تعاملات اجتماعی در خانواده» از مقولات اصلی «مضایقه از تعامل» و «ترک تعاملات اعضای خانواده» تشکیل شده است.

مضایقه از تعامل

مقوله اصلی «مضایقه از تعامل» از دسته‌بندی‌های فرعی جدول ۱ انتزاع شده است.

جدول ۱. مشکل فقدان روابط و تعاملات اجتماعی در خانواده^۱ (مقوله اصلی اول)

مقوله اصلی	مفاهیم و مقولات فرعی		
مضایقه از تعامل	مضایقه از تعامل با همسر	اجتناب همسران از گفت‌وگو و مذاکره، وقت‌نگذاشتن شوهر برای همسرش، اختصاص ندادن وقت توسط مرد برای گفت‌وگو، افزایش مضایقه روابط زناشویی	
	مضایقه از تعامل با فرزند	افزایش کودکان سپرده‌شده به بهزیستی/افزایش کودکان بدون خانواده	
	تجددگزینی	افزایش نرخ تجددگزینی و تمایل به آن	افزایش نرخ رشد تک‌زیستی، رشد تنهازندگی کردن افراد، افزایش تعداد خانواده‌های تک‌نفره، کاهش نرخ ازدواج، علاقه‌مند شدن تک‌زیست‌ها به این شیوه زندگی، کم‌رغبتی به تشکیل خانواده
		تبدیل تجددگزینی به فرهنگ	تبدیل تک‌زیستی به خواست مشترک مردم با خصوصیات متفاوت
		تجددگزینی متأهلان	افزایش تک‌زیستی افراد بر اثر فوت همسر، طلاق و دارای همسر، بیشتر بودن تک‌زیستی زنان متأهل نسبت به مردان، بیشتر بودن رشد تک‌زیستی متأهلان نسبت به مجردان، مورد سوءاستفاده قرار گرفتن زنان متأهل تک‌زیست
تجددگزینی مجردان	افزایش زندگی مجردی دختران، افزایش جمعیت هرگز ازدواج‌نکرده در سال‌های اخیر، افزایش مجرد قطعی در بین زنان با بالا رفتن سن ازدواج، تردید بیشتر دختران مجرد به ازدواج نسبت به والدین، امتناع افراد مجرد تک‌زیست از بازگشت به زندگی مشترک با والدین، بیشتر بودن جمعیت ازدواج‌نکرده‌ها در روستا نسبت به شهر		

در ادامه به برخی از شواهد مربوط به این مقوله توجه می‌کنیم:^۲

علی‌وردی‌نیا، حسینی و ابراهیمی (۱۳۹۱: ۹۱) گزارش کرده‌اند:

۱. عناوین جداول طبق مقولات نهایی نام‌گذاری شده است.

۲. گفتنی است ارجاعات مستقیم به مقالات مرور شده، در متن حاضر، از آن جهت است که نشان دهیم نویسندگان مقالات، نتایج مرتبط با ادعای مقاله حاضر را تأیید کرده‌اند.

حدود ۱۱/۶۲ درصد پاسخ‌گویان انزوای اجتماعی خانواده‌شان را در حد خیلی زیاد گزارش داده‌اند، ۲۵/۴۵ درصد در حد زیاد، ۳۵/۹۷ درصد به‌طور متوسط. یکی از مشکلات تعامل در خانواده مضایقه تعامل «همسران» با یکدیگر است. گیتی‌پسند، فرحبخش، اسماعیلی و ذکایی (۱۳۹۳: ۵۶) در این باره بیان کرده‌اند: در یافته‌های پژوهش حاضر در بین زوجین ناراضی‌تمند زناشویی چنین مواردی دیده می‌شود: ... اجتناب از گفت‌وگو و مذاکره... همچنین طبق گزارش باستانی، گلزاری و روشنی (۱۳۸۹: ۱۱): مشکلات ارتباطی، از جمله مقولات به‌دست‌آمده در کدگذاری است. عوامل مختلفی از جمله... عدم اختصاص وقت توسط مرد برای گفت‌وگو... باعث کاهش صمیمیت و افزایش فاصله آن‌ها از یکدیگر شده است. یکی از مصادیق مضایقه از تعامل، تک‌زیستی است. افراد تک‌زیست، از وارد شدن به بستر تعاملی جدید و شکل‌گیری خانواده جدید مضایقه کرده‌اند. جواهری و هلالی ستوده (۱۳۹۵: ۱۸۴) در این باره گزارش کرده‌اند: نرخ رشد تک‌زیستی که در فاصله پنج سال ۱۳۸۵-۱۳۹۰ حدود ۱۱ درصد بوده، نسبت به دهه پیش، یعنی سال‌های ۱۳۷۵-۱۳۸۵ که نرخ رشد آن ۵/۱ درصد بوده، تقریباً دو برابر افزایش داشته است. ... در ایران رشد میزان تک‌زیستی در بین کسانی که قبلاً متأهل بوده‌اند، بیش از افراد مجرد است.

ترک تعاملات اعضای خانواده

مقوله اصلی «ترک تعاملات اعضای خانواده» از دسته‌بندی فرعی زیر انتزاع شده است.

جدول ۲. مشکل فقدان روابط و تعاملات اجتماعی در خانواده (مقوله اصلی دوم)

مقوله اصلی	مفاهیم و مقولات فرعی		
ترک تعاملات اعضای خانواده	ترک تعامل با همسر	ترک تعامل با همسر، قهرهای مکرر و گاه طولانی‌مدت زن و مرد	
	ترک تعامل فرزند با والدین	فرار از منزل	فرار دختران از منزل، افزایش فرار از منزل، گرایش به فرار از منزل و زیادبودن آن
		عامل فرار از منزل	آزار جنسی دختران از سوی اعضای خانواده و اعضای بستگان درجه‌یک، آزارهای روحی و عاطفی دختران توسط اعضای خانواده، بی‌توجهی به نیازهای اساسی دختران توسط اعضای خانواده، خشونت (جسمی و روانی) در خانه، درگیری و مشاجره بین اعضای خانواده، طلاق والدین، خانواده‌های ناسالم یا متلاشی‌شده، ارتکاب جرائم مختلف و سابقه زندان اعضای خانواده، سوءاستفاده جسمی

برخی از شواهد مربوط به این مقوله، در ادامه نقل شده است:

باستانی، گلزاری و روشنی (۱۳۸۹: ۱۱) گزارش کرده‌اند:

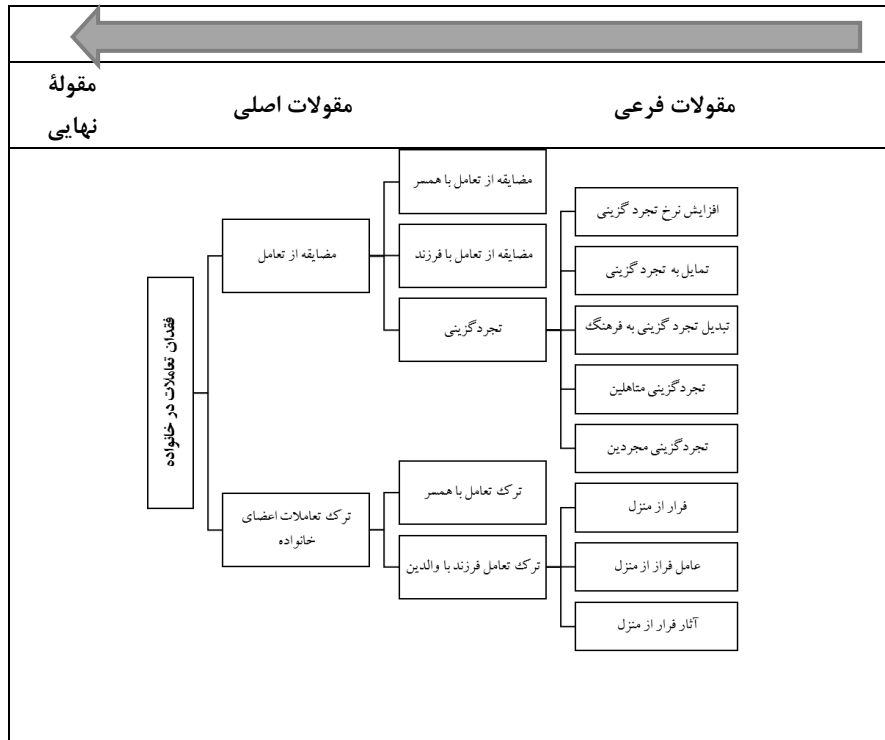
مشکلات ارتباطی، از جمله مقولات به‌دست‌آمده در کدگذاری است. ... قهرهای مکرر و گاه طولانی‌مدت زن و مرد، با کاستن از تعاملات مثبت و افزایش تعاملات منفی همسران، موجب رنجش آنان از یکدیگر شده، و به این ترتیب در ایجاد فاصله آنان از هم مؤثر بوده است.

یکی از مصادیق ترک تعامل فرزند با والدین، فرار از منزل است. عوامل فرار از منزل نیز دال بر وجود این مسئله هستند و برخی از این عوامل نیز خود، گزارشی از وجود مشکلاتی تعاملی هستند.

طبق گزارش پیشکار و زاهدی اصل (۱۳۹۱: ۹۳):

توزیع فراریان از منزل طی سال‌های ۱۳۷۵-۱۳۸۱ در کل کشور نشان می‌دهد که تعداد دختران فراری ۲۸ درصد افزایش داشته است.

دسته‌بندی‌های فرعی و مقولات اصلی «فقدان تعاملات در خانواده» که در بالا بیان شد، در نمودار زیر ارائه شده است:



شکل ۲. مشکل فقدان روابط و تعاملات اجتماعی در خانواده

۲-۴- کمبود و کاهش تعاملات خانوادگی

مقوله نهایی «کمبود و کاهش تعاملات خانوادگی» از مقولات اصلی «کمبود و کاهش تعاملات همسران» و «کمبود تعاملات فرزندان و والدین» تشکیل شده است.

جدول ۳. مقوله‌بندی مشکل کمبود و کاهش تعاملات خانوادگی

مقوله اصلی	مفاهیم
کمبود و کاهش تعاملات همسران	کمبود تعاملات زوجین، مطلوب نبودن روابط و تعاملات زن و شوهر با یکدیگر، ضعف زن و مرد در برقراری ارتباط، فاصله ارتباطی زوجین، فاصله فیزیکی زوجین در منزل، کمبود گفت‌وگو بین زوجین، کمبود مدت گفت‌وگوی همسران با هم، کمبود مدت‌زمان حضور همسران در منزل برای هم، حضور اندک شوهران در منزل، کمبود مدت‌زمان تفریح کردن همسران با یکدیگر، متوسط بودن روابط زناشویی، کمبود تعامل جنسی
کمبود تعاملات فرزندان و والدین	کمبود تعاملات پدر و فرزندان، متوسط بودن روابط والدین و فرزندان، کاهش فرصت والدین برای پرداختن به کودکان، ناچار بودن مادر برای سپردن کودک به مهدکودک، سپردن کودک به پرستاران خانگی، مشغول کردن کودک به انجام بازی‌های رایانه‌ای، تماشای کارتون‌ها

یکی از مشکلات تعاملی در خانواده‌های ایرانی، کمبود و کاهش تعاملات خانوادگی است. معیدفر و صبوروی خسروشاهی (۱۳۹۰) گزارش کرده‌اند: «پیوند فرد با خانواده در ۴۶ درصد پاسخ‌گویان زیاد، ۲۳ درصد متوسط و ۳۱ درصد کم است.» ساروخانی، نظری و وثوقی (۱۳۹۶): ۴) نیز نشان داده‌اند: «در شهر تهران بیش از ۵۰ درصد افراد... ابراز می‌کنند که روابطشان با اعضای خانواده در سال‌های اخیر کمتر شده است.» در ادامه به مشکل کمبود و کاهش تعاملات خانوادگی توجه شده است.

مقصودی، معیدفر و توکل (۱۳۹۰: ۹) در باب مسئله «کمبود و کاهش تعاملات همسران» نوشته‌اند:

سرمایه ساختاری درون‌گروهی نیز در این تحقیق شامل مدت‌زمان حضور همسران در منزل برای هم، مدت گفت‌وگو و مدت‌زمان تفریح کردن همسران با یکدیگر می‌شد. آمارها میانگین این متغیر را ۲/۱۱ ذکر کرده‌اند که کم است.

گلچین و حیدری (۱۳۹۳: ۱۰۴) در تأیید مشکل «کمبود تعاملات فرزندان و والدین» چنین نوشته‌اند:

در میان مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی خانوادگی، گویه‌های مرتبط با «درمیان گذاشتن مشکلات شخصی با پدر» در چارچوب تعاملات خانوادگی و امکان «مشورت با پدر» در زمینه دریافت حمایت‌های گوناگون مالی، مشورتی، عاطفی و اطلاعاتی، در مقایسه

با سایر گویه‌ها میانگین کمتری دارند که نشان‌دهنده نوعی کاستی در خانواده‌های مورد بررسی و چه بسا اکثر خانواده‌های جامعه ماست. همچنین شارع پور و همکاران او (۱۳۹۵: ۷۲) گزارش داده‌اند: بیش از ۶۰ درصد از مادرانی که فرزندان خود را به مهدکودک‌ها سپرده‌اند، از سر ناچاری این کار را انجام داده‌اند.

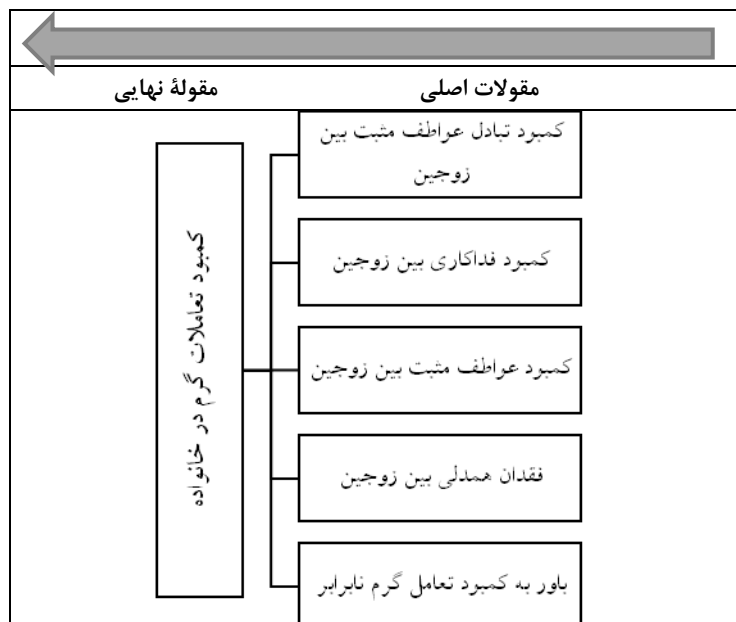
۳-۴- کمبود تعاملات گرم در خانواده

در جدول ۴ مفاهیم و دسته‌بندی‌های فرعی و مقولات اصلی «کمبود تعاملات گرم در خانواده» ارائه شده است:

مسئله تعامل اجتماعی در خانواده ایرانی

جدول ۴. مقوله‌بندی مشکل کمبود و کاهش تعاملات خانوادگی

مقوله اصلی	مفاهیم
کمبود تبادل عواطف مثبت بین زوجین	ابراز محبت نکردن همسران، کمبود تبادل شفاهی احساسات زوجین به یکدیگر، مشروط بودن ابراز محبت همسران به یکدیگر
کمبود فداکاری بین زوجین	گذشت یکطرفه در بین زوجین، زیاد نبودن فداکاری زوجین نسبت به هم، عدم به کارگیری بخشش در روابط زناشویی
کمبود عواطف مثبت بین زوجین	دوری عاطفی میان زوجین، شیوع دوری عاطفی، تعلق نداشتن زوجین به یکدیگر، بالابودن صمیمیت زوجین با هم، کمبود حس علاقه بین زوجین، کاهش صمیمیت بین اعضای خانواده، درک نکردن احساس عاطفی همسر
فقدان همدلی بین زوجین	فقدان همدلی بین زوجین، همدلی نداشتن همسران در امور زندگی، همدل و همراه نبودن مرد با زن در موقعیت‌های دشوار
باور به کمبود تعامل گرم نابرابر	اعتقاد مرد به کمبودن جبران زحماتش توسط زن، اعتقاد مرد به کمبودن جبران زحماتش توسط فرزند پسر، اعتقاد مرد به کمبودن جبران زحماتش توسط فرزند دختر



شکل ۳. مشکل کمبود تعاملات گرم در خانواده

برای مثال، باستانی، گلزاری و روشنی (۱۳۸۹: ۱۰) در تأیید «کمبود تبادل عواطف مثبت بین زوجین» می‌نویسند:

عدم تأمین نیاز عاطفی که به دلیل فقدان محبت یا عدم ابراز محبت بوده است، به‌صورت‌های متنوعی توسط زنان مطرح شده است که همگی منجر به سرد شدن رابطه زن و مرد و گسست عاطفی شده است.

یکی از شواهد مرتبط با موضوع «کمبود فداکاری بین زوجین»، گزارش گیتی‌پسند، فرحبخش، اسماعیلی و ذکائی (۱۳۹۳: ۶۱) است که در این باره نوشته‌اند:

زنان شرکت‌کننده در پژوهش، بخشش را از مؤلفه‌های معنای زندگی خود معرفی نمودند، اما دیگر طالب آن نبودند که بخشش را در روابط زناشویی و در ارتباط با همسر خود به کار گیرند.

رفعت‌جاه و بهرامی (۱۳۹۰: ۹۴) نیز درباره «کمبود عواطف مثبت بین زوجین» نوشته‌اند: حس علاقه و تفاهم و در نتیجه احترام و اعتماد متقابل در غالب خانواده‌های مورد مطالعه بین زوجین، یا وجود نداشت و یا بسیار کم‌رنگ بود.

در تأیید فقدان همدلی بین زوجین، باستانی، گلزاری و روشنی (۱۳۸۹: ۱۲) گزارش کرده‌اند: عدم همدلی و همراهی مرد با زن در موقعیت‌های دشوار شامل دوران بارداری، هنگام بیماری و مواجهه با مشکل و ناراحتی از عواملی بوده است که از طریق دریافت نکردن حمایت از سوی همسر در موقعیت‌های مورد انتظار و در نتیجه ایجاد احساس تنهایی در زن، موجب افزایش فاصله زن و مرد شده است.

ع-ع- تعاملات سرد در خانواده

مقوله نهایی «تعاملات سرد در خانواده» از مقولات اصلی «تعاملات سرد بین اعضای خانواده»، «تعاملات سرد همسران»، «تعاملات سرد بین فرزندان و والدین»، «خشونت خانگی» و «تجاوز جنسی» تشکیل شده است. در ادامه مقولات اصلی ارائه شده است:

تعاملات سرد بین اعضای خانواده

مقوله اصلی «تعاملات سرد بین اعضای خانواده» از مفاهیم زیر تشکیل شده است:

جدول ۵. مشکل تعاملات سرد در خانواده (مقوله اصلی اول)

مقوله اصلی	مفاهیم
تعاملات سرد بین اعضای خانواده	روابط سرد اعضای خانواده، درگیری و مشاجره بین اعضای خانواده، افزایش اختلافات خانوادگی، جدال در خانواده، دخالت‌های خانواده‌های زوجین، ناسازگاری با خانواده همسر
عوامل نزاع و درگیری خانوادگی	خشونت خانگی علیه زنان، اختلافات فرهنگی و طبقاتی، مشکلات جنسی، دخالت خانواده شوهر، مشکلات اقتصادی، مشکلات اخلاقی و تربیتی

علی احمدی (۱۳۸۹) در بررسی تجربی «تحولات معاصر خانواده در شهر تهران»، کاهش گفتمان خانواده‌گرایی، افزایش آسیب‌ها و اختلافات خانوادگی و کاهش کارکردهای خانواده را از روندهای رو به گسترش در زندگی خانوادگی تهرانی‌ها بیان می‌کند (رحیمی، شکرپیگی، ساروخانی و حضرتی، ۱۳۹۶: ۱۴۷ و ۱۴۸). همچنین در تحقیق اصغرپور، صدیق اورعی و کرمانی (۱۳۹۶) چنین می‌خوانیم: «در سال‌های اخیر بسیاری از محققان از افزایش تعداد طلاق‌ها ابراز نگرانی کرده‌اند. اگر این میزان طلاق را در کنار قیح نسبی طلاق در جامعه قرار دهیم، می‌توان نتیجه گرفت که میزان جدال‌ها در خانواده بسیار بیشتر از میزان طلاق‌هاست.»

تعاملات سرد همسران

مقوله اصلی «تعاملات سرد همسران» از مفاهیم و دسته‌بندی‌های فرعی زیر تشکیل شده است:

جدول ۶. مشکل تعاملات سرد در خانواده (مقوله اصلی دوم)

مقوله اصلی	مفاهیم و مقولات فرعی		
تعاملات سرد همسران	روابط ناسالم زناشویی در بین زوجین، فاصله ناشی از اختلال در تعاملات زوجین، وجود و شیوع همسرآزاری، وجود روابط خشونت‌آمیز در خانواده همسرآزار، آزارهای عاطفی، روحی و روانی یکدیگر، کم‌بودن تعهد زناشویی، روابط همراه با نارضایتی زوجین، تمایل همسران به اهداف فردی و خواسته‌های خود، نارسایی‌های کمی و کیفی در رابطه با همسر		
	تعاملات تحقیر و توهین‌آمیز	روابط همراه با تحقیر بین زوجین، مورد توهین قرار گرفتن توسط یکدیگر، بی‌احترامی به یکدیگر، بددهنی شوهر، به‌کاربردن کلمات نامناسب در ارتباطات همسران با هم	
	بی‌توجهی همسران	بی‌توجهی زوجین به یکدیگر، بی‌محلی کردن شوهر، بی‌توجهی به نیازهای همسر، بی‌توجهی مرد به زن در حین گفت‌وگو، مشورت‌نکردن همسران در امور زندگی	
	ناسازگاری زوجین	تعارضات زناشویی، افزایش اختلافات زناشویی، دعوا و مشاجره بین زوجین، جروبحث کردن زوجین، کتک‌زدن همسر، فحاشی همسر، مشاجرات لفظی بین همسران، زیادبودن درگیری لفظی همسران، اخم کردن به همسر، ارتکاب زوجین به اعمال تضادآمیز، ارتکاب زوجین به اعمال خشن	
	عوامل ناسازگاری زوجین	کم‌بودن توافق ارزشی و تفاهم زوجین، کم‌بودن توافق زن و شوهر در مشورت، محبت‌کردن، کمک در منزل، وجود تضاد ارزشی بین زوجین، عدم تفاهم اخلاقی، دلسردی روانی و عاطفی زوجین، دل‌زدگی‌های زناشویی، بالا بودن تفسیر ناسازگار نقش زنان در خانه، سرپازدن از پذیرش مسئولیت‌ها و نقش‌های زناشویی	
	بی‌وفایی زناشویی	بی‌وفایی زناشویی، خیانت به همسر، روابط عاطفی و دوستی خارج از ازدواج زنان متأهل، داشتن رابطه جنسی خارج از ازدواج زنان متأهل	
	عامل بی‌وفایی زناشویی	تعاملات سرد بین همسران	خیانت، دعوا و مشاجره مستمر، خشونت جسمی، کلامی و روانی، آزارهای روحی و روانی توسط همسر، فردگرایی در روابط، قهرهای طولانی، حضور اندک در منزل
		رفع‌نشدن نیازهای عاطفی	مشکلات عاطفی و رفتاری در روابط زناشویی، فقدان محبت و صمیمیت، بی‌مهری و بی‌اعتنایی همسران، نارضایتی عاطفی
		رفع‌نشدن نیازهای جنسی	مشکلات جنسی در رابطه با همسر، تمایلات شدید جنسی زن، کم‌بودن رضایت جنسی، رفع‌نشدن نیازهای جنسی
		عوامل قبل از ازدواج	سابقه رابطه با جنس مخالف قبل از ازدواج، داشتن رابطه عاطفی قبل از ازدواج، طلاق والدین، درگیری و مشاجره بین والدین، سابقه خشونت توسط اعضای خانواده، ازدواج تحمیلی
	تعاملات سرد غیراخلاقی زوجین	فقر و مشکلات اقتصادی، اعتیاد همسر، شیوع فرهنگ فساد در جامعه، تأثیرپذیری از دوستان، کم‌بودن تعهد زناشویی، ضعف دین‌داری و اخلاقی، ضعف زندگی صادقانه، ضعف نظارت بر زندگی، تنوع‌طلبی و هیجان‌خواهی، فیلم‌های ماهواره	
	باجرا گذاشتن مهریه با انگیزه برقراری تعامل سرد	دروغ‌گفتن همسران به یکدیگر، صداقت‌نداشتن زوجین در روابط با یکدیگر، سوءبرداشت در گفت‌وگوی زوجین، سوظن و بدبینی به یکدیگر، بددل و شکاک‌بودن مرد به همسر، پنهان‌کاری در زندگی مشترک	
	اجرای مهریه با انگیزه انتقام از همسر و خانواده او، اجرای مهریه با انگیزه تنبیه همسر، اجرای مهریه با انگیزه فراهم‌کردن زمینه‌ای برای جدایی از همسر، اجرای مهریه با انگیزه ترک زندگی خانوادگی		

در خصوص تعاملات تحقیرآمیز، کلانتری، روشن فکر و جواهری (۱۳۹۰: ۱۵۱) نوشته‌اند: برخی مصادیق خشونت خانوادگی که در این بررسی‌ها به آن اشاره شده است شامل عصبانی بودن همسر، فحاشی همسر، بدبینی، کتک‌زدن همسر، به‌کاربردن کلمات نامناسب در ارتباط و مشاجرات لفظی، عدم همدلی، توافق و مشورت در امور زندگی است.

درباره بی‌توجهی، باستانی، گلزاری و روشنی (۱۳۸۹: ۱۰) گزارش داده‌اند: بی‌توجهی مرد به شیوه‌های گوناگون در ایجاد طلاق عاطفی مؤثر بوده است. بی‌توجهی در ابعاد مختلف موجب کاهش رضایت زن از مرد و در نتیجه زمینه‌ساز افزایش فاصله زن و مرد بوده است.

یکی دیگر از تعاملات سرد در خانواده‌ها، ناسازگاری است. پورنصیری، روستاخیز و باستانی (۱۳۹۶: ۱۵۸) نیز بیان کرده‌اند:

تحلیل مصاحبه‌ها نشان داد که ۸۵ درصد از مشارکت‌کنندگان با هم [زوجین] درگیری لفظی داشته‌اند.

صدیق اورعی و اصغریور (۱۳۸۸) نیز نوشته‌اند:

اعمال ناسازگارانه همسران را می‌توان در دسته‌هایی با عنوان ترک تعامل با همسر، ترک تعامل با دیگران، ارتکاب اعمال خشن و ارتکاب اعمال تضادآمیز قرار داد. درباره بی‌وفایی زناشویی نیز طبق گزارش فتحی، ستار و جوادیان (۱۳۹۵: ۴۰۵): در روابط زناشویی اکثر مشارکت‌کنندگان [زنان بی‌وفا] غلبه بر رفتارهای دافعه و طردکننده همچون قهرهای طولانی، مشاجره و درگیری، خشونت کلامی روانی و جسمی بود.

در خصوص تعاملات سرد غیراخلاقی همسران، نتایج تحقیق ساروخانی و قاسمی (۱۳۹۱: ۲۸) نشان می‌دهد:

۳۰ درصد از زنان و ۲۰ درصد مردان نسبت به همسران خویش سوءظن داشته‌اند.

در خصوص همسرآزاری، علی‌وردی‌نیا، حسنی و ابراهیمی (۱۳۹۱: ۱۰۰) بیان کرده‌اند:

آزار عاطفی و آزار جسمی با روابط ناسالم زناشویی ارتباط نزدیک‌تری دارد. والدینی که از روابط زناشویی خود ناخشنودند، نفرت، خشم و نارضایتی خود را در مشاجرات، ناسزاگویی‌ها، کتک‌کاری هم‌دیگر و ترک خانه نشان می‌دهند که بنا به گزارش

دانش‌آموزان ۵۶/۳ درصد زن و شوهرهای تحقیق حاضر، به این وضعیت دچار می‌باشند.

تعاملات سرد بین فرزندان و والدین

این مقوله اصلی متشکل و منتزع از موارد زیر است:

جدول ۷. مشکل تعاملات سرد در خانواده (مقوله اصلی سوم)

مقوله اصلی	مفاهیم و مقولات فرعی	
تعاملات سرد بین فرزندان و والدین	تعارض بین فرزندان و والدین، کشاکش بالنسبه متوسط میان فرزندان و والدین، زیادبودن منفعت‌طلبی فرزندان، فردگرایی فرزندان	
	کودک‌آزاری	وجود و شیوع کودک‌آزاری، کودک‌آزاری توسط والدین و دیگر اعضای خانواده، خشونت روانی علیه کودکان، رواج کودک‌آزاری عاطفی و جسمی توسط والدین، کودک‌آزاری جنسی توسط پدر، باور به ضرورت تنبیه کودکان برای تربیت
		عوامل کودک‌آزاری در خانواده

در ادامه به برخی از شواهد مربوط به این مشکلات پرداخته شده است:
معیدفر و صبوری خسروشاهی (۱۳۹۰) گزارش کرده‌اند:

۲۳/۵ درصد تعارض (فرزندان و والدین) در حد زیاد (سبک‌های زندگی ناهمسو میان والدین و فرزندان)، ۱۵/۵ درصد تعارض در حد متوسط (سبک‌های زندگی بینابینی میان والدین و فرزندان) و ۶۱ درصد تعارض در حد کم (سبک‌های زندگی همسو میان والدین و فرزندان) دارند.

همچنین طبق گزارش محسنی تبریزی (۱۳۸۱: ۱۷۲):

درجه سستیز با والدین نیز براساس مقیاس لیکرت اعمال شده، مبین کشاکش بالنسبه متوسط میان فرزندان و والدین است. همچنان که نمره به‌دست‌آمده از مقیاس اعمال شده در آزمودنی‌ها در مرتبه متوسط دارای بالاترین فراوانی است (۴۳ درصد).

خشونت خانگی

مقوله اصلی «خشونت خانگی» از مفاهیم و دسته‌بندی‌های فرعی زیر تشکیل شده است:

مسئله تعامل اجتماعی در خانواده ایرانی

جدول ۸. مشکل تعاملات سرد در خانواده (مقوله اصلی چهارم)

مقوله اصلی	مفاهیم و مقولات فرعی
خشونت خانگی	تجربه خشونت خانگی توسط اعضای خانواده، بالا بودن خشونت خانگی در خانواده، افزایش خشونت بین فردی در خانواده، آزارهای روحی و عاطفی توسط اعضای خانواده، خشونت نوجوانان علیه خانواده، افزایش خشونت خانگی علیه زنان، خشونت در دوره بارداری، بالا بودن تجربه خشونت در کودکی زنان، خشونت توسط پدر، شوهر، برادر، برادرشوهر
	خشونت فیزیکی: (سیلی زدن به همسر، مشت و لگد زدن به همسر، تجربه خشونت فیزیکی زنان از اول زندگی مشترک، سیلی زدن و کتک با مشت و لگد به زنان)، خشونت جسمی، خشونت جنسی، خشونت روانی: (توهین کردن به یکدیگر، تحقیر کردن یکدیگر در برابر دیگران، فحاشی به یکدیگر در برابر دیگران، سوءظن داشتن به یکدیگر، توهین کردن به خانواده یکدیگر، قهر کردن با یکدیگر، جیغ و داد کردن زنان، تهدید کردن زنان به ترک خانه و طلاق، بدرفتاری کردن زنان با بچه‌ها)، خشونت‌های عاطفی، خشونت زبانی: (تجربه خشونت‌های کلامی زنان از اول زندگی، داد و فریاد مرد در خانه، بهانه‌گیری‌های پی‌درپی مرد به زن، دشنام دادن به زن در خانه، به کار بردن کلمات رکیک مرد به زن در خانه، استفاده از الفاظ رکیک در خانه)، خشونت فکری، خشونت اجتماعی: (ممانعت از کارایی و اشتغال زن، ایجاد محدودیت در ارتباط‌های فامیلی، دوستانه و اجتماعی همسر، ایجاد محدودیت در مشارکت همسر در انجمن‌های اجتماعی، خشونت آموزشی، ممانعت مردان از اشتغال و فعالیت‌های اجتماعی زن)، خشونت اقتصادی، خشونت مالی: (ولخرجی کردن زن، داشتن انتظارات و خواسته‌های فراتر از توان مالی شوهر، برگزاری بیش‌ازحد مهمانی‌ها، دادن پول یا اموالی از منزل به دیگران، دزدیدن پول توسط زن) و خشونت حقوقی
	نارضایتی از روابط زناشویی، اختلاف طبقاتی میان زوجین، مشکلات مالی، بیکاری همسران، اشتغال زنان، دخالت خانواده‌ها، آشنانیدن زوجین با مهارت‌های زندگی، اختلاف سلیقه در تربیت بچه‌ها، پنهان‌کاری، رقیب‌بازی مردان، وفادار نبودن مردان، اعتیاد، بیماری عصبی
انواع خشونت زوجین نسبت به یکدیگر و شیوع آنها	عامل خشونت خانگی زوجین

یکی از مؤیدات وجود این مشکل، این گزارش محسنی تبریزی، امانی و دوستی (۱۳۸۸: ۱۸) است:

در مجموع، تمامی افراد مورد مطالعه (درگیر و غیردرگیر) به‌طور متوسط ۱۲ مورد از گونه‌های متفاوت (۳۷ مورد) خشونت خانگی را تجربه کرده‌اند. همچنین گلچین و حیدری (۱۳۹۱: ۲۰۳) بیان کرده‌اند:

در کشور ما نیز انواع خشونت بین فردی اعم از خشونت خانوادگی، خشونت در مراکز آموزشی و محیط‌های عمومی در طول سال‌های اخیر رو به افزایش بوده است. خشونت خانگی علیه زنان یکی از شاخه‌های «خشونت خانگی» است. جعفریان، فتحی، عرشی و قادری (۱۳۹۴: ۷۷) در این باره نوشته‌اند:

در ایران نیز خشونت خانوادگی از همان سال‌های آغاز ازدواج شروع می‌شود. به‌طور مثال، در مصاحبه با زنانی که به مراکز مشاوره بهزیستی مراجعه کرده بودند، مشخص شد که حدود ۷۰ درصد از زنان مورد خشونت همسران خود قرار گرفته‌اند و جزئی از زندگی روزمره آن‌ها بود و حتی برخی از زنان از شب اول ازدواج شاهد خشونت بودند.

خشونت خانگی علیه مردان یکی دیگر از شاخه‌های «خشونت خانگی» است. صادقی فسایی و خیرخواه‌زاده (۱۳۹۰: ۱۲۳) نوشته‌اند:

رفتارهایی که مردان آن‌ها را آزاردهنده و خشونت‌آمیز تلقی می‌کردند در هفت گروه طبقه‌بندی شد. خشونت روانی کلامی، مالی، جنسی، فیزیکی، حقوقی، اجتماعی و کوتاهی‌نمودن در انجام وظایف خانوادگی. در میان این هفت گروه خشونت روانی کلامی و خشونت‌های مالی و اجتماعی از بیشترین فراوانی برخوردار بودند، طوری که ۹۲ درصد مصاحبه‌شوندگان به وجود خشونت روانی کلامی، ۵۴ درصد به خشونت مالی و ۲۰ درصد به خشونت اجتماعی اشاره کردند.

تجاوز جنسی

مقوله اصلی «تجاوز جنسی» از مفاهیم زیر تشکیل شده است:

جدول ۹. مشکل تعاملات سرد در خانواده (مقوله اصلی پنجم)

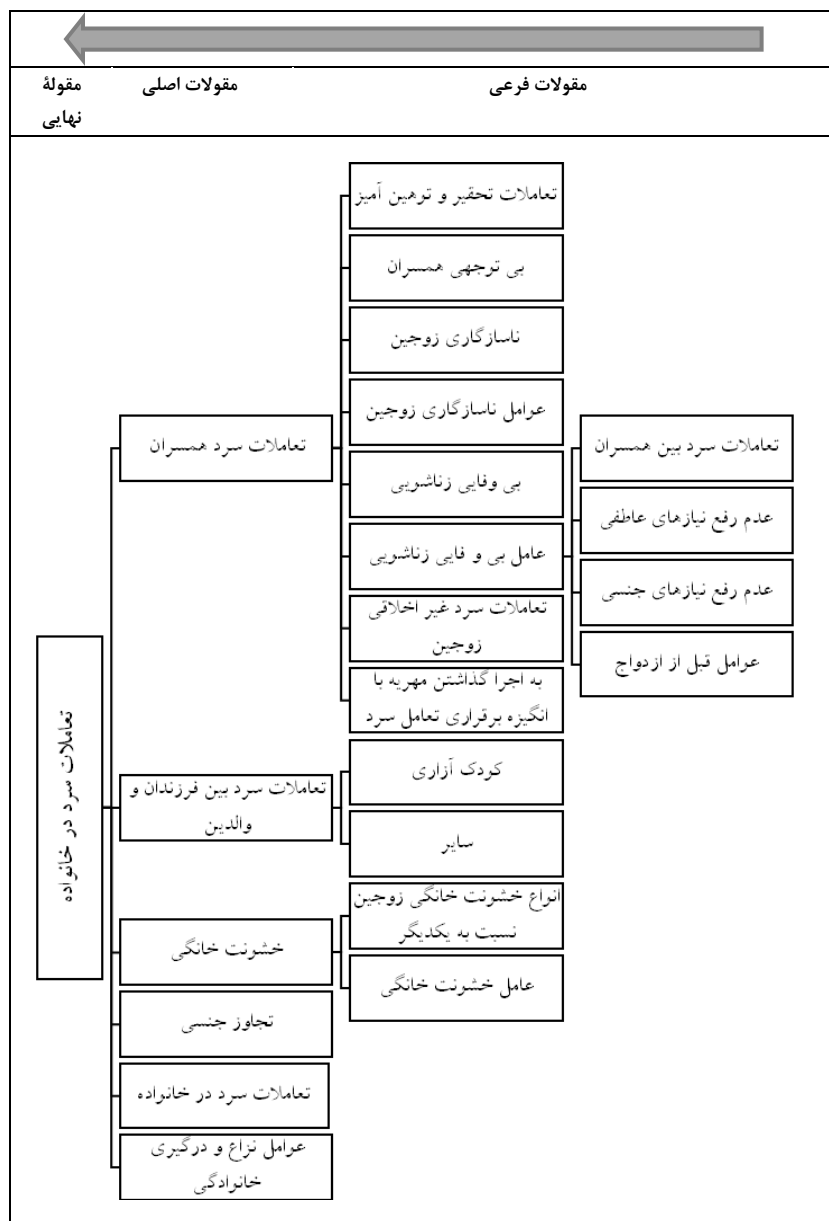
مفاهیم	مقوله اصلی
سوءاستفاده جنسی توسط اعضای خانواده، مورد تجاوز قرار گرفتن از سوی پدر، برادر و ناپدری، تجاوز جنسی از سوی محارم در خانه، تجاوز جنسی در قالب ازدواج	تجاوز جنسی

در ادامه به برخی از شواهد مربوط به این مشکلات، پرداخته شده است: چلبی و روزبهرانی (۱۳۸۰: ۱۰۸) گزارش کرده‌اند:

در میان دختران زندانی، جرمی که بیشترین درصد را به خود اختصاص داده، رابطه نامشروع می‌باشد. ۴۳/۳ درصد از دختران زندانی، نوع جرمشان رابطه نامشروع می‌باشد. سه تن از آن‌ها مورد تجاوز پدر، برادر و ناپدری‌شان قرار گرفته بودند. همچنین حسن‌پور، سیمبر و کرمانی (۱۳۹۰: ۴۸) نوشته‌اند:

در مطالعه‌ای که به‌منظور بررسی علل فرار دختران از خانه انجام شده بود مشخص شد علت ۴۴ درصد موارد فرار دختران، سوءاستفاده جنسی توسط اعضای خانواده بوده است.

دسته‌بندی‌های فرعی و مقولات اصلی «تعاملات سرد در خانواده» که در بالا بیان شد، در نمودار زیر ارائه شده است:



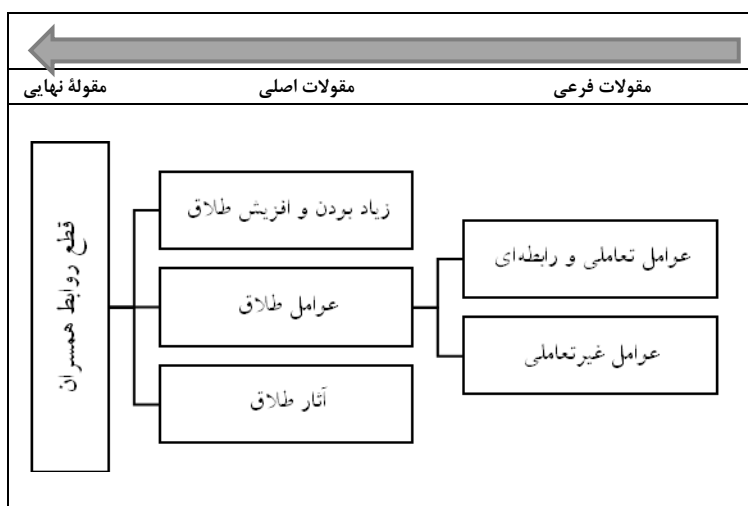
شکل ۴. مشکل تعاملات سرد در خانواده

۵-۴- قطع روابط همسران

در جدول زیر مفاهیم و دسته‌بندی‌های فرعی و مقولات اصلی «مشکل قطع روابط همسران» ارائه شده است:

جدول ۱۰. مشکل قطع روابط همسران

مقوله اصلی	مفاهیم و مقولات فرعی
زیادبودن و افزایش طلاق	رواج طلاق، افزایش میزان طلاق، افزایش گسست روابط زناشویی، افزایش تدریجی طلاق توافقی، افزایش روند طلاق‌های عاطفی، زیادبودن میزان طلاق در سال اول زندگی، اجباری‌بودن طلاق، زیادبودن میزان طلاق در شهرها نسبت به روستاها، تجربه طلاق ثلاث به‌صورت غیابی، بی‌ثباتی (تزلزل در تعاملات) ازدواج‌ها
عوامل طلاق	عوامل تعاملی و رابطه‌ای
	عوامل غیرتعاملی
آثار طلاق	



شکل ۵. مشکل قطع روابط همسران

طلاق انحلال قانونی پیوند ازدواج است (کلانتری، روشنفکر و جواهری، ۱۳۹۰: ۱۲۳) و تعاملات سرد و ناسازگاری زوجین، تصمیم به جدایی و قطع تعاملات را تسهیل می‌کند. زیادبودن و افزایش طلاق یکی از شاخه‌های مقوله «قطع روابط همسران» است. در مقالات مرور شده، میزان بالای طلاق و افزایش آن گزارش شده است. برای مثال، کلانتری، روشنفکر و جواهری (۱۳۹۰: ۱۳۰) نیز درباره «زیادبودن و افزایش طلاق» بیان کرده‌اند: براساس آمار ارائه شده از سوی سازمان ثبت احوال کشور، در سال ۱۳۸۸، ۱۲۵۷۴۷ واقعه طلاق (۱۰۶۵۴۸ در مناطق شهری و ۱۹۱۹۹ در مناطق روستایی) به ثبت رسیده است. یعنی، در هر شبانه‌روز ۳۴۵ و در هر ساعت ۱۴ طلاق ثبت شده که نسبت به تعداد ۱۱۰۵۱۰ ثبت واقعه طلاق در سال ۱۳۸۷، ۱۳/۸ درصد افزایش یافته است.

همچنین قاسمی و ساروخانی (۱۳۹۳: ۱۱) گزارش داده‌اند:

براساس آمار رسمی سازمان ثبت احوال کشور در ۹ ماه اول سال ۱۳۸۹، نرخ طلاق نسبت به مدت مشابه در سال ۱۳۸۸، ۷/۵ درصد افزایش داشته است. گزارش‌های مربوط به عوامل طلاق، از دو جهت مهم‌اند: ۱. از جهت تأکید بر مسئله بودن طلاق به عنوان یک مشکل تعاملی؛ ۲. از جهت نشان دادن عوامل تعاملی این مشکل.^۱ توسلی و غیائی ندوشن (۱۳۹۰: ۴۴) عوامل طلاق را چنین بیان کرده‌اند: برخی از مهم‌ترین عوامل طلاق... به ترتیب اختلاف فرهنگی، مشکلات اقتصادی (فقر و بیکاری) عدم عشق و علاقه به یکدیگر و فقدان رضایت جنسی و اعتیاد بوده است. مرور مقالات جامعه‌شناسان ایرانی همچنین مشخص ساخت که مشکلات مربوط به تعامل در خانواده به این موارد ختم نمی‌شود و مطلوب نبودن سرمایه اجتماعی خانواده و کمبود اعتماد در خانواده نیز از مسائل تعاملی خانواده‌های ایرانی است. باید توجه داشت که سرمایه اجتماعی گاهی نتیجه تعامل مثبت است و گاهی بستر و زمینه‌ای برای افزایش تعاملات مثبت است و ضعف سرمایه اجتماعی، بستری است برای فقدان، کمبود و ضعف تعاملات گرم.

۱. نقل بریده‌هایی از آثار محققان در خصوص عوامل و آثار مشکلات تعاملی، به نحوی بارز، راهی است برای نشان دادن مسئله بودن این مشکلات نزد آنان. درواقع محققانی که به دنبال کشف عوامل یکی از مشکلات تعاملی یا آثار آن است، یعنی وجود آن مشکل را محرز دانسته و در نتیجه به دنبال عوامل آن با آثارش می‌گردد.

۵. بحث و نتیجه‌گیری

انسان نیازمند به زیست اجتماعی است و اساس زیست اجتماعی، تعامل مستمر با انسان‌های دیگر است و قوام و دوام و کارایی تعامل مستمر، به تعامل مستمر گرم به دو صورت گرم برابر و گرم نابرابر وابسته است. قلمروهای تعامل‌های گرم، عمدتاً خانواده، خویشاوندی، همسایگی و شبکه‌های دوستی است و سهم و جایگاه و پایداری خانواده در تحقق تعامل گرم و گرم نابرابر، برجسته‌تر از سایر موارد است. خانواده عرصه مهم‌ترین و پایداری‌ترین تعاملات گرم مقوم جامعه است. تحقیقات فراوان درباره‌ی وضع کنونی جامعه ایران نیز نشان می‌دهد که با همه مشکلات موجود، باز هم خانواده نسبت به خویشاوندی، همسایگی، دوستی و... بالاترین سهم را در تحقق تعامل گرم نابرابر دارد و فاصله آن با سایر قلمروهای یادشده، بسیار زیاد است و «هنوز هم پایگاه خانوادگی که فرد در آن متولد شده است برای او سرمایه‌ای بسیار مهم است.» (بودون و بوریکو، ۱۳۸۵: ۲۹۱).

برای نمونه چلبی بیان کرده است که ایرانیان اگرچه در عرصه‌های اجتماعی همواره منافع فردی خود را بر منافع جمع ترجیح داده‌اند، اما این امر در عرصه خانواده کاملاً برعکس بوده است (چلبی، ۱۳۸۱). همچنین داده‌های بخش «عام‌گرایی اجتماعی» طرح سنجش سرمایه اجتماعی (۱۳۹۴) حاکی از این است که مردم ایران در حال حاضر، بیشترین تعاملات و تعاملات گرم را با اعضای خانواده دارند. در تحقیق بخشی (۱۳۹۲) نشان داده شده که خانواده آخرین پناهگاه برای شخص است. براساس نتایج این تحقیق، در همه حوزه‌های رفتاری بین نزدیکان درجه یک و سایرین، شکاف اساسی وجود دارد؛ به نحوی که تقریباً ۷۵ درصد مردم آمادگی بسیاری برای ایثار (به‌عنوان درجه بالایی از عمل اجتماعی گرم) برای نزدیکان درجه یک دارند، حال آنکه برای دوستان این مقدار به حدود ۵۰ درصد رسیده و درمورد سایرین بسیار کمتر می‌شود.

اما خانواده به‌عنوان مأمّن و ملجأ اصلی و سازمان تخصصی تأمین دسته‌ای از نیازهای اشخاص، فاصله شدیدی با استاندارد جامعه سالم دارد و به‌شدت و به‌طور گسترده، به بیماری آشکار و رنج‌دهنده‌ای مبتلاست و سهمی جدی در «بی‌کسی ایرانیان» (صدیق اورعی و فرزانه، ۱۳۹۵) دارد. مطلبی که موضوع این نوشتار نیز بوده است.

تحقیق حاضر به ۸۳ مقاله پژوهشی معتبر که توسط ۳۹ جامعه‌شناس برجسته ایرانی انجام شده (از مجموعه ۷۱۴ اثر ۱۱۹ جامعه‌شناس) استناد کرده است که این پژوهش‌ها با داوری اجتماع علمی جامعه‌شناسان ایرانی پذیرفته و انتشار یافته بودند.

داده‌های بررسی شده حاکی از «وجود مشکل فقدان روابط و تعاملات اجتماعی در خانواده، کمبود و کاهش تعاملات خانوادگی، کمبود تعاملات گرم در خانواده، وجود تعاملات سرد در خانواده، قطع روابط همسران، مطلوب نبودن سرمایه اجتماعی خانواده و کمبود اعتماد در خانواده» است و هرکدام از این مشکلات، مشتمل بر مشکلات تعاملی جزئی تری است. براساس استدلال صدیق اورعی، تعامل گرم برابر و نابرابر، «عیار» سلامت گروه، سازمان و جامعه است و جامعه ایران، جامعه‌ای کم‌عیار است. یافته‌های تحقیق حاضر، با استناد به نتایج تحقیقات متعدد نشان داد که خانواده ایرانی، با وجود اینکه نسبت به سایر شبکه‌های اجتماعی همچنان فعال‌ترین شبکه تعاملات گرم اشخاص است، به نسبت کارکردهای مورد انتظار از آن، به شدت «کم‌عیار» شده است.

البته باید نکته‌ای را یادآور شد: گزارش طیف وسیعی از مشکلات تعاملی در خانواده، به این معنا نیست که تمامی خانواده‌های ایرانی، درگیر همه این مشکلات‌اند، بلکه غرض، بیان شیوع مشکلات تعاملی در خانواده‌هاست.

در پایان می‌توان پرسید: آیا درمان اجتماعی را باید از خانواده آغاز کرد؟ به نظر ما چنین نیست. بلکه درمان اجتماعی باید از کل به جز آغاز شود و گفت‌وگوی همگانی مستمر، برای نیل به فهم مشترک از مشکل و سپس توافق بر شیوه زندگی جدید، درمان جامعه ماست و به نظر ما اولین موضوع برای توافق، «وفای به عهد» است که پایه هر توافق و تعهد دیگری است.

منابع

- اصغری‌پور ماسوله، احمدرضا، غلامرضا صدیق اورعی و مهدی کرمانی (۱۳۹۶) «تبیین کنش‌های ناسازگارانه مردان در خانواده‌های ایران»، *مجله علوم اجتماعی*، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی، سال چهاردهم: ۱-۳۰.
- ایمان، محمدتقی و محمدرضا نوشادی (۱۳۹۰) «تحلیل محتوای کیفی»، پژوهش، دوره سوم، شماره ۲: ۱۵-۴۴.
- آگبرن، ویلیام فیلدینگ و مایر فرانسیس نیم‌کوف (۱۳۵۳) *زمینه جامعه‌شناسی*، ترجمه امیرحسین آریان‌پور، تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی با همکاری مؤسسه انتشارات فرانکلین.
- باستانی، سوسن، محمود گلزاری و شهره روشنی (۱۳۸۹) «طلاق عاطفی: علل و شرایط میانجی»، *مجله بررسی مسائل اجتماعی ایران*، دوره اول، شماره ۳: ۱-۲۰.
- بخشی، حامد (۱۳۹۲) «نظرسنجی عمومی درمورد حفظ و تقویت روحیه ایثارگری و ارائه راهکار جهت ترویج روحیه ایثارگری»، مشهد: گروه علوم اجتماعی جهاد دانشگاهی مشهد.
- بوردیو، پیر (۱۳۸۹) «شکل‌های سرمایه»، *سرمایه اجتماعی (اعتماد، دموکراسی و توسعه)*، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، تهران: شیرازه.
- بودون، ریمون و فرانسوا بوریکو (۱۳۸۵) *فرهنگ جامعه‌شناسی انتقادی*، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، تهران: فرهنگ معاصر.
- پشتکار، سمیه و محمد زاهدی‌اصل (۱۳۹۱) «رابطه عملکرد خانواده با فرار دختران از منزل؛ مقایسه دو گروه از دختران فراری و غیرفراری شهر تهران در سال ۱۳۸۸»، پژوهش اجتماعی، دوره چهارم، شماره ۱۷: ۹۱-۱۱۲.
- پورنصیری، ثریا، بهروز روستاخیز و داریوش بوستانی (۱۳۹۶) «کندوکاو پدیده طلاق توافقی؛ مورد مطالعه: مردان شهرستان تالش در سال ۱۳۹۳»، *توسعه اجتماعی*، دوره دوازدهم، شماره ۲: ۱۴۳-۱۷۲.
- توسلی، غلامعباس و علی غیائی ندوشن (۱۳۹۰) «عوامل اجتماعی مؤثر بر طلاق طی دهه اخیر؛ مورد مطالعه استان یزد سال‌های ۸۰ تا ۸۶»، *مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، دوره سوم، شماره ۴: ۳۵-۵۰.
- جعفریان، طیبه، منصور فتحی، ملیحه عرشی و رضوانعلی قادری (۱۳۹۴) «بررسی تأثیر هوش هیجانی مردان بر خشونت علیه زنان در بین زوجین متأهل»، *دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی*، دوره شانزدهم، شماره ۴: ۷۶-۸۳.

جواهری، فاطمه و مینا هلالی ستوده (۱۳۹۵) «تمایل به زندگی مجردی»، مجموعه مقالات گزارش وضعیت اجتماعی کشور، تدوین کنندگان غلامرضا غفاری و محمدرضا جوادی یگانه. تهران: شورای اجتماعی کشور، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ۱۷۱-۲۱۰.

چلبی، مسعود (۱۳۸۱) بررسی تجربی نظام شخصیت در ایران، تهران: نشر نی.
چلبی، مسعود و توران روزبهانی (۱۳۸۰) «نقش خانواده به عنوان عامل و مانع بزهکاری نوجوانان»، پژوهشنامه علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۲۹: ۹۵-۱۳۲.
حسن پور ازغدی، بتول، معصومه سیمبر و مهدی کرمانی (۱۳۹۰) «خشونت خانگی علیه زنان»، دانشکده پرستاری و مامایی، دوره بیست و یکم، شماره ۷۳: ۴۴-۵۲.

رحیمی، محمد، عالیه شکر بیگی، باقر ساروخانی و زهرا حضرتی صومعه (۱۳۹۶) «بررسی جامعه‌شناختی رابطه شبکه‌های اجتماعی مجازی و تغییرات جاری در خانواده‌ها»، پژوهش‌نامه اسلامی زنان و خانواده، سال پنجم، شماره ۸: ۱۴۵-۱۶۹.

رفعت‌جاه، مریم و سمانه بهرامی (۱۳۹۰) «مطالعه انسان‌شناختی عوامل نابسامانی خانواده در محله سیروس شهر تهران»، پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران، دوره اول، شماره ۲: ۸۵-۱۱۰.
روشه، گی (۱۳۹۱) جامعه‌شناسی تالکوت پارسنز، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، تهران: نشر نی.
ساروخانی، باقر، فاطمه نظری و منصور وثوقی (۱۳۹۶) «بررسی جامعه‌شناختی رابطه اعتماد اجتماعی و ارتباطات انسانی با تأکید بر خانواده‌های شهر تهران در سال ۱۳۹۳-۱۳۹۵»، مطالعات جامعه‌شناختی شهری، دوره هفتم، شماره ۲۳: ۱-۳۰.

ساروخانی، باقر و علیرضا قاسمی (۱۳۹۱) «بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر افزایش طلاق توافقی»، فرهنگی-تربیتی زنان و خانواده، دوره هفتم، شماره ۲۱: ۷-۴۹.

شارع‌پور، محمود، سجاد فتاحی، نسترن زنجان‌رفیعی و فاطمه رفیعی‌آتانی (۱۳۹۵) «ضعف جامعه‌پذیری با تأکید بر دوران کودکی»، مجموعه مقالات گزارش وضعیت اجتماعی کشور، تدوین کنندگان غلامرضا غفاری و محمدرضا جوادی یگانه، تهران: شورای اجتماعی کشور، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ۴۱-۹۷.

صادقی فسائی، سهیلا و سیداحسان خیرخواه‌زاده (۱۳۹۱) «بررسی جامعه‌شناختی تصور مردان از خشونت خانگی نسبت به آنان در ایران (پژوهش کیفی)»، بررسی مسائل اجتماعی ایران، دوره دوم، شماره ۲: ۱۰۷-۱۵۴.

صدیق اورعی، غلامرضا (۱۳۹۳/۱۰/۲۲) «سلسله‌جلسات هم‌اندیشی حوزه و دانشگاه، جلسه ۱۳۹: جامعه کم‌عیار و دین‌گریزی»، پژوهشکده مطالعات اسلامی در علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد.

صدیق اورعی، غلامرضا (۱۳۹۵/۱۲/۲۹) «راه ارتقای اعتماد اجتماعی»، مصاحبه‌کننده احمد فرزانه.

صدیق اورعی، غلامرضا و احمدرضا اصغرپور ماسوله (۱۳۸۸) «عدم توافق ارزشی و تأثیر آن بر ناسازگاری زوجین در مشهد»، *مجله مطالعات اجتماعی ایران*، دوره سوم، شماره ۳: ۷۱-۴۹. صدیق اورعی، غلامرضا و احمد فرزانه (۱۳۹۵) «بی‌کسی ایرانیان»، *جستارهایی در سرمایه اجتماعی در ایران*، تدوین‌کننده ریحانه جوادی‌یگانه، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، شورای اجتماعی کشور، ۹۷-۱۰۷.

صدیق اورعی، غلامرضا، احمد فرزانه، مهدیه باقری و شیوا محمدی (۱۳۹۸) *مبانی جامعه‌شناسی (مفاهیم و گزاره‌های پایه)*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

طرح سنجش سرمایه اجتماعی در ایران (۱۳۹۴)، تهران: وزارت کشور، مرکز ملی رصد اجتماعی: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، دفتر طرح‌های ملی.

عباسی، خیام و فرهنگ ارشاد (۱۳۹۱) «بررسی عوامل اجتماعی، فرهنگی و روانی مؤثر بر ناسازگاری زناشویی در شوشتر در سال ۱۳۸۹»، *زن و مطالعات خانواده*، دوره چهارم، شماره ۱۵: ۱۴۸-۱۲۷.

علی‌وردی‌نیا، اکبر، محمدرضا حسنی و ابراهیم ابراهیمی (۱۳۹۱) «عوامل خانوادگی کودک آزاری»، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، دوره سیزدهم، شماره ۵۰: ۷۱-۱۱۰.

فتحی، منصور، پروین ستار و سیدرضا جوادیان (۱۳۹۵) «مقایسه علل بی‌وفایی مردان و زنان در روابط زناشویی (یک پژوهش کیفی)»، *مجله تحقیقات کیفی در علوم سلامت*، دوره پنجم، شماره ۴: ۴۰۱-۴۱۸.

قاسمی، علیرضا و باقر ساروخانی (۱۳۹۳) «عوامل اجتماعی طلاق و سلامت روانی-اجتماعی در زوجین متقاضی طلاق توافقی و غیرتوافقی»، *فصلنامه فرهنگی-تربیتی زنان و خانواده*، دوره هشتم، شماره ۲۶: ۷-۳۷.

کلانتری، عبدالحسین، پیام روشنفکر و جلوه جواهری (۱۳۹۰) «مرور سه دهه تحقیقات علل طلاق در ایران»، *مطالعات راهبردی زنان*، دوره چهارم، شماره ۵۳: ۱۲۹-۱۶۲.

کوزر، لوییس آلفرد و برنارد روزنبرگ (۱۳۸۵) *نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناختی*، فرهنگ ارشاد، تهران: نشر نی.

گلچین، مسعود و علی‌حیدر حیدری (۱۳۹۱) «خشونت بین‌فردی و سرمایه اجتماعی در خانواده و مدرسه: مطالعه‌ای اجتماعی در دبیرستان‌های پسرانه نورآباد (لرستان)»، *مسائل اجتماعی/ایران*، دوره سوم، شماره ۱: ۱۷۷-۲۱۲.

گلچین، مسعود و علی‌حیدر حیدری (۱۳۹۳) «بررسی جامعه‌شناختی رفتارهای تخریبی (وندالیسم) و رابطه آن با سرمایه اجتماعی در خانواده و مدرسه در دبیرستان‌های پسرانه شهر نورآباد لرستان»، *فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی شوشتر*، دوره دوم، شماره ۸: ۷۵-۱۱۰.

گیتی‌پسند، زهرا، کیومرث فرح‌بخش، معصومه اسماعیلی و محمدسعید ذکائی (۱۳۹۴) «مؤلفه‌های معنای زندگی در زوجین متقاضی طلاق»، *مشاوره و روان‌درمانی خانواده*، دوره پنجم، شماره ۲: ۵۰-۷۹.

محسنی تبریزی، علیرضا، فاطمه امانی سندیانی و اکرم دوستی (۱۳۸۸) «بررسی جامعه‌شناختی نابرابری جنسیتی زن و مرد و نقش آن در بروز خشونت خانوادگی (مطالعه موردی: شهر تهران)»، *پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر*، دوره اول، شماره ۳: ۵-۲۷.

محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۸۱) «آسیب‌شناسی بیگانگی اجتماعی-فرهنگی/بررسی انزوای ارزشی در دانشگاه‌های دولتی تهران»، *فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، دوره هشتم، شماره ۲۶: ۱۱۹-۱۸۱.

معیدفر، سعید و حبیب صبوری خسروشاهی (۱۳۹۰) «تعارض فرزندان با والدین در سبک زندگی»، *برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، دوره سوم، شماره ۷: ۶۷-۹۷.

مقصودی، سوده، سعید معیدفر و محمد توکل (۱۳۹۰) «بررسی جامعه‌شناختی رابطه سرمایه اجتماعی و رضایت زناشویی در زوجین شهر کرمان»، *مطالعات اجتماعی ایران*، دوره پنجم، شماره ۱: ۱۲۴-۱۵۲.

مؤمنی‌راد، اکبر، خدیجه علی‌آبادی، هاشم فردانش و ناصر مزینی (۱۳۹۲) «تحلیل محتوای کیفی در آیین پژوهش: ماهیت، مراحل و اعتبار نتایج»، *فصلنامه اندازه‌گیری تربیتی*، ۱۸۷-۲۲۲.

Hsieh, Hsiu-Fang & Sarah E Shannon (2005). "Three Approaches to Qualitative Content Analysis", *Qualitative Health Research*, Vol. 15, No. 9: 1288-1277

Macionis, John (2010), *Sociology*, United States of America: Prentice Hall.

- Shenton , A. (2004). Strategies for Ensuring Trustworthiness in Qualitative Research Projects. *Education for Information*: 63-75.
- Krippendorff, Klaus (2004), *Content Analysis: An Introduction to its Methodology*, London: Sage Publication .
- Mayring, Philipp (2014), *Qualitative Content Analysis. Theoretical Foundation, Basic Procedures and Software Solution*, Austria: Klagenfurt.
- Wasserman, Stanely & Khaterine Faust (1994), *Social Network Analysis: Methods and Applications*, Cambridge: Cambrige University Press.